

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سارا عزیزه  
برگردان از: حمید بهشتی  
۱۷ می ۲۰۲۱

## آیا جان فلسطینی می تواند مهم باشد؟

مرگ جرج فلویید بر سپهر اندیشه امریکائیان نفوذ نمود. اکنون فلسطینیان برای هستی انسانی خویش به پا خاسته اند. آیا جهان آنها را خواهد دید؟



زنی همراه کودکی در ۳۱ ماه مارچ ۲۰۲۱ از کنار تصویری از جرج فلویید می گذرد که در سوی اسرائیلی دیوار جدائی در ساحل اشغال

شده رود اردن در بتلهم بر دیوار نقش بسته است. تصویر از ایمانوئل دوناند/ AFP از طریق Getty Images

من ۱۹ ساله بودم که شخصی برای اولین بار به من گفت، من وجود ندارم. آن زمان من در کالج در نزدیکی نمایشگاه شهروندان مقتول نوار غزه به هنگام یکی از حملات اسرائیل ایستاده بودم. نمی توانم چهره دانشجویی را که به من این حرف را زده بود به یاد آورم، اگرچه کنایه ای را که در صدایش بود به خاطر دارم که چگونه به سینه بی خیالم نفوذ کرد. زیرا حاضر نبودم مرا حذف کنند.

آنها می گفتند: "فلسطینی ها وجود ندارند". با گذشت زمان این لحظه، به فراموشی رفت، اما رنگ نباخت و با بسیاری از سایر برخوردها در هم آمیخت، لحظاتی که افراد بیگانه نیز در باره عدم وجود من آگاه می گشتند. اما در آن لحظه تجربه تازه ای بود. لحظه ای کوتاه، بروز لبخندی را بر لبانم حس کردم، پیش از آن که احساس بیمار گونه خشم در دلم جای گرفت. اما تا فرصت کنم برایش پاسخی بیابم، شاکای دور شده بود.

چه شگرف است به انسانی زنده که نفس می کشد، رو در رو بگویند "واقعی نیستی". در مقابل آن دفاع مناسب چه می توانست باشد؟ انسان در قبال نیرنگ چه می کند؟

البته این حرف درست نیست که من وجود ندارم. من دارای پیکری هستم از گوشت و خون، اما آن بیگانه از بسیاری جهات حق داشت.

زیرا در بیان این واژه اتفاقی افتاد - فلسطینی. در لحظه ای که گفته شود، تبدیل می شوم به چیزی که کمی بیشتر و بسیار کمتر انسان است.

فلسطینیان به عنوان ملت قابل مشاهده اند، اما به ندرت دیده می شوند. ما "وجود داریم" نه مانند دیگران. نه دارای سرزمین متشکلی هستیم و نه قدرتی اقتصادی یا نظامی داریم که بتوانیم از آن یاد کنیم. ما تاریخ و فرهنگ داریم، اما اینها هر سال بیشتر بی ثبات گشته و تصاحب می گردند. غالباً همگی ما را آن چیزی می پوشد که دیگران تصور می کنند ما هستیم: خطرناک، موجب نا آرامی، تروریست.

بدینگونه می توانیم در بسیاری از تیترهای روزنامه ها باشیم و به اینهمه مرگ ها بمیریم. ما تا حدی می میریم، زیرا جهان از ما این انتظار را دارد. نام ما را فقط در ارتباط با خشونت و دعوا ذکر می کنند که نمی توان از آن گذشت. این است وضعیت ما. گزارشات، مانند گزارشات آب و هوا: هوا "داغ می شود" و "غلیان می کند" در موج دیگری از خشونت. قربانیان ما، همانند فصول سال می باشند - محصولی از کشته شدگان، هر چند سال، معمولاً در غزه. تصاویر محلی، از ما حاله ای از غبار را نشان می دهند، تانک ها و سربازها. این خیابان های مهیب و تهدید آمیز در تصور غربی با چرخ های خاکستری رنگ سایر قتل ها در هم می آمیزند - افغانستان، عراقی ها، سوری ها، که همگی ما را به تاریکی بیشتر می برند. (کلیشه ها) فاجعه های شخصی را در تکرارهای غالبی می پوشانند، آرشو بی انتهائی از فراموش شدگان.



یک سرباز اسرائیلی در برخوردی با اسلحه گاز اشک آورش تظاهر کنندگان جوان فلسطینی را هدف گرفته است، به دنبال آنکه در هشتم نوامبر ۲۰۱۹ کنار پرچین مرزی جنوبی خان یونس واقع در نوار غزه علیه اشغال اسرائیلی تظاهر کرده بودند. تصویر از خطاب گفت /

AFP از طریق Getty Images

همه اینها به این دلیل که ما از جمله انسانهای تحت اختیار دنیا می باشیم. آنچه ما را به قتل می رساند، فقط خشونت اسرائیل نیست، بلکه همچنین ناکارائی دسته جمعی جامعه بین الملل است به ما به لحاظ انسان نگاه کند. این همان ناکارآمدی است که کشته شدن اینهمه پیکرهای سیاه را روز روشن با ویدیوهای بیمارگونه ای که اینقدر عادی شده اند

ممکن ساخته است. همانطور که الیزابت آلکساندر نوشته است: "پیکرهای سیاهی که دارای دردهائی برای مصرف در عرصه عمومی می باشند، از قرن ها پیش در امریکا جنجالی ملی هستند". با وجود یک چنین ذهنیت عمومی خشن هیچ شگفت آور نیست که امریکائیان سفید پوست تا این حد آهسته و دوگانه در قبال خشونت علیه سیاهان واکنش کرده اند.

زیرا در امریکا مگر چه کسی بیش از یک سیاه پوست قابل دیدن است؟ اما چه کسی بدین حد نادر دیده می شود؟

این تناقض کشنده ایست که برای برطرف نمودنش نسل ها روشنفکر و فعال سیاه کار کرده اند. این را که WEB Du Bios "مسأله مرز رنگی" نامیده است، فقط در صورتی می توان حل نمود که همه امریکا، تمامی انسانیت سیاهان را که به طور سیستماتیک از انسانیت تهی فرض کرده اند، درک کنند. خلاصه: آینده ای نخواهد بود، مگر تا زمانی که امریکا این حقیقت بنیانی را که جان های سیاه اهمیت دارند باور نماید.

بدینسان امریکا و اسرائیل با ناکارآمدی اخلاقی مشابهی مواجه اند: سالها سلب حقوق عمدی، سوء استفاده و سرقت از یک ملت، تحت نام حاکمیت گروهی دیگر- در یک مورد، زیر پرچم سفید و در مورد دیگر، زیر پرچم صهیونیسم. هر دو بر این توانائی متکی که کوشش های این ملت ها را برای مقاومت در قبال سرکوب آنان با محاصره توده ئی، خشونت حکومتی و تبعیض حقوقی سرکوب نمایند. و هر دو نیز دیده اند که حتا خشونت بار ترین حملات، قادر نیست روح انسان را سرکوب نماید.

زمانی که من در مراحل بالای کالج بودم، پس از آن که زمان هائی را که به من گفته می شد وجود ندارم، از خاطر برده بودم تماسی تهدید آمیز با بیگانه ای مست داشتم که اتفاقی تشخیص داد فلسطینی هستم. وی بازویم را گرفت و مجبورم ساخت به جمعی از دوستانش بپیوندم. آنگاه به خاطر این باورم که "عرب ها و یهودی ها برابرند" و "فلسطینیان می باید دارای حقوق باشند" مسخره ام کرد. مزاحمت های او فزونی گرفت و گرایش جنسیتی یافت، چنان که برای تمام دوستانش مضحک بود. اما پس از آن که سرانجام از دستش خلاص شدم، مرا بیش از همه این فکر دنبال می کرد، که چه قدر در قبال حملات لفظی او ساکت مانده بودم و چرا تمام وقت منجمد شده بودم؟



یک نوباوه فلسطینی و خویشاوندانش در غم از دست دادن حسین حامد ۱۱ ساله می گریند - در بیت هانون واقع در شمال نوار غزه، ۱۱

ماه مه ۲۰۲۱. تصویر از محمود حمس / AFP از طریق Getty Images

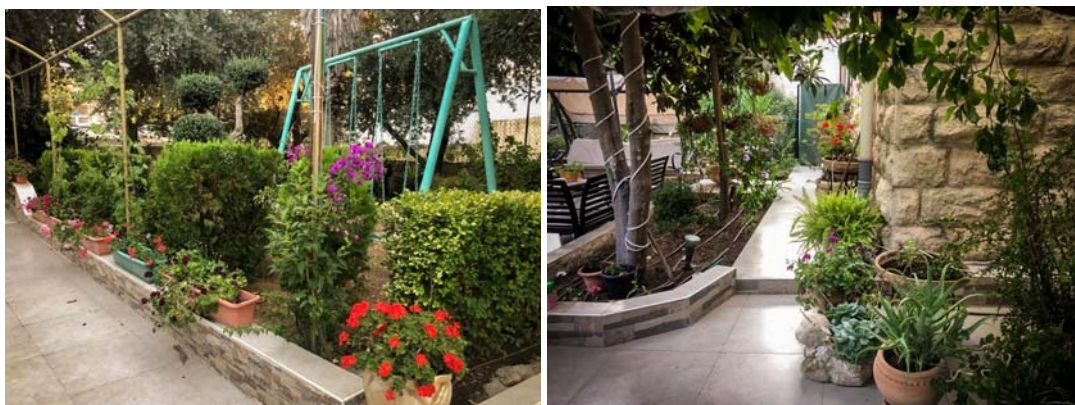
یک حالتِ کرختی و پژه ای هست که به انسان دست می دهد، هنگامی که انسانیت آدمی انکار می گردد. در این هنگام ویژگی های یک زندگی، عشق، هراس و گرسنگی، سرگذشت خانوادگی و امید های ناگفته منتفی می گردند که می تواند زبان آدمی را ببندد و هول انگیز باشد. به طوری که آدمی احساس قدرت را از دست دهد. هم صحبت های مست من از من نمی خواستند در باره سیاست با آنان بحث کنم. آنها حقانیت وجود مرا زیر سؤال بردند. و آن به ریشه درگیری فلسطینی/اسرائیلی اصابت نمود: آیا زندگی فلسطینی ها دارای اهمیت است؟

این بیان که "جان سیاه اهمیت دارد" به دنبال قیام های فارکازن Ferguson و واکنش خشن پولیس تولد یافت – که آنجا دیویس را به یاد خیابان های غزه انداخت. این ایده که جان سیاه ارزش دارد قوی است. زیرا بدیهی به نظر می رسد، اما ما را وادار می سازد که به تمامی واقعیات مادی توجه کنیم که آن را نقض می کنند. اگر جان سیاه مهم است، چرا مردان سیاه ۶ برابر مردان سفید زندانی می گردند و سه برابر آنها توسط پولیس به قتل می رسند؟ اگر جان سیاه مهم است پس چرا اینهمه تفاوت نژادی در رابطه با امکانات، رفاه و سلامتی؟ بدین صورت، این بیان ساده جرأت می کند نیروهای ضد سیاهان و سیطره سفیدان را در مبانی استواری این ملت افشاء نماید.

به گونه مشابهی واقعیات مادی فلسطینیان نشان می دهند که کشور اسرائیل برای زندگی آنان ارزشی قائل نیست. از منظر اسرائیل بهتر آن می بود اگر ما اصلاً اینجا نبودیم. این ملت ۱۹۴۸ بر آواره ساختن صدها هزار فلسطینی – به انضمام خانواده من – تأسیس گشت و توسط جنگ های متعاقب، مصادره دائم و اشغال مناطقی مانند اراضی ساحل غربی رود اردن و بیت المقدس گسترش یافت. موجودیت به جای ماندگان، با ملاقات های ضد انسانی عمدی روزانه که با حکومت اسرائیل دارند، ممانعت می گردد، از پست های کنترل خیابانی گرفته تا خشونت فوق العاده، محدودیت های اقتصادی در یک مجموعه صنعتی زندانی که سالانه هزاران فلسطینی را شامل بر افراد نابالغ محبوس می کند.

اوج گیری های تازه در بیت المقدس، غیر واقعی بودن ملت مرا فقط تأیید می کنند. خبرگزاری ها در باره این وقایع با لحن دفتر داری بالینی گزارش می کنند که پر است از نادرستی در مورد مجروحین و کشته شدگان (از صبح پنجشنبه – روز اول عید – بیش از ۱۰۰۰ فلسطینی مجروح و دستکم ۸۳ کشته که میان آنها دستکم ۱۷ کودک و ۷ متوفی اسرائیلی). مفسرین مانند برگزار کنندگان مسابقات ورزشی شرط بندی های خود را روی اقدام بعدی حماس می گذارند، توماس فریدمان که در باره نوجوانان فلسطینی و تیک ٹک، همه چیز را می داند، جوانان سنگ انداز و نیروهای امنیتی مسلح به تسلیحات کشنده مانند طرفین برابر در مقابل یک دیگر، یا از این نیز بدتر، یک داوود و گلیات (غول) معکوس، متمدن ها علیه یک توده حار قهوه ای رنگ.

آنها هرگز به شما نخواهند گفت که هر کدام ما به گونه ای ویژه، خُرد می شود و خون می ریزد، و زجر کشیدن و میزان تحمل افراد چه قدر با هم تفاوت دارد. به شما هرگز - به طوری که من عرض این هفته تلفونی از بیت المقدس خبردار شدم مشخصاتی که این واقعه غم انگیز را انسانی می نمایند به شما نخواهند گفت. یکی از خانواده های شیخ جراح که نمی تواند این را تحمل کند که باغ خانه خود را از دست دهد و واتس آپ مرا با تصاویر درختانی پر می کند که دهها سال پیش کاشته بودند، و مرد جوان دیگری که نمی توانست خود را از چیزی که در مسجد الاقصی دیده بود رها کند: خویریزی همسر نابینایش نه، بلکه تمامی کفش های این سربازان که زمین مقدس را زیر پا می گذارند؛ کفش های آنان، کفش های آنان، او می نالید. کفش های کثیف آنان.



باغ مورد علاقه یک خانواده فلسطینی در شیخ جراح که مجبور خواهند بود آن را ترک گویند

امریکائیان سیاه به ما همواره نشان داده اند که نمی گذارند آنها را غیرواقعی کنند و در سال گذشته به ظاهر انسان های بسیاری به آنها گوش فرا داده اند. برای امریکائیان سیاه که مرتب مشمول خشونت حکومتی هستند، قتل جرج فلویید مصیبت بار بود، اما ناگهانی نبود. این مرگ ویژه توانست به بزرگ ترین توان تصور امریکائی نفوذ کند و به نحوی قادر گشت درخشندگی بی تفاوتی را با قدرت درونی و ویژگی خود در هم نوردد. فلویید به عنوان فرد دیده شد، به عنوان انسان، و نام او تبدیل به حرکتی گشت. "جان سیاه مهم است" تجدید حیاتی را تجربه کرد، به میمنت منزلت اجتماعی که ناگهان یک زندگی سیاه یافت و قتل وی توسط امریکائیان سفید.

فلسطینی ها به سرعت به جنبش جرج فلویید واکنش و همبستگی نشان دادند، اعتراض نمودند و از تجربیات مشترک فی ما بین با زندانی های جمعی، تنبیهات نظامی و تبعیضات حقوقی و زانو زدن بر گردن شهروندان آموختند. چهره فلویید بر قسمت هائی از دیوار جدائی نقش بست، کنار نقاشی های دیواری چهره فلسطینیانی که توسط پولیس ها و سربازان اسرائیل از جمله لیاد حلق به قتل رسیدند؛ او قاتل مردی درون گرا (اوتیست) بود فاقد اسلحه که در راه مدرسه به منزل با تیر اندازی کشته شد. مرگ فلویید به بحث هایی در مجامع فلسطینی و سایر مجامع عربی رسید و نیز به ضد سیاه بودن خودشان کشیده شد، این همبستگی جهانی چیز تازه ای نیست: از سال ها پیش کنشگران فلسطینی، در جنبش حقوق شهروندی امریکا، در مبارزه آفریقای جنوبی علیه نژادپرستی و سایر الهامات جوینده بوده، همبستگی و حمایت از جنبش های خارج از فلسطین را مطرح ساخته اند، شامل بر اعتراضات Standing Rock و سایر کوشش های حامی حقوق بومیان.



صدها فلسطینی علیه قتل یک فلسطینی اوتیست توسط پولیس اسرائیل در دوم جون ۲۰۲۰ در حيفا، اسرائیل – تظاهر کنندگان فلسطینی همبستگی خویش را با شهروندان امریکائی که علیه قتل جرج فلویید توسط پولیس اعتراض کردند، اعلام نمودند. تصویر از ماتی میلشتاین /

NurPhoto از طریق Getty Images

فلسطینیان از تجربه های هفته ها پیش از اوج گیری اخیر بهره بردند. به گزارش عفو بین المللی در حضور تجمع های تحریک شده ای که شعار "مرگ بر اعراب" را سر می دادند، در قبال خشونت پولیس در محیط مقدس الاقصی و نفوذ بارز اشغالگران به شیخ جراح، اعتراضات فلسطینیان بسیار صلح آمیز بوده است. این رنج طولانی با درگیری های افزایش یابنده شدید در محیط مسجد الاقصی پوشیده شد؛ در حالی که سربازان اسرائیلی نارنجک های باعث اختلال مغزی و گلوله های پوشیده به لاستیک را علیه اعراب به کار بردند که ۱۰۰۰ تن را مجروح نمود، از جمله ۱۷۰ تن در یک نماز جمعه در ماه مبارک رمضان.

اکنون که مشارکت حماس به اسرائیل مشروعیت به کار گرفتن مهمات بی نظیرش در جهان را می دهد، رفتار بسیار اخلاقی تظاهرکنندگان در توجیهات معمولی تبلیغاتی محو گشته است: اسرائیل از خود دفاع می کند، فلسطینیان کشته می شوند. عناوین روزنامه ها برای اکثر خوانندگان قابل تعویض می باشند. شمار قربانیان متوفی در زبان ضد عفونی شده محاسبات نظامی و ادبیات دیپلماتیک بسته بندی می گردند.

در این بین مدافعان حقوق مقاومت فلسطینیان در سیل پرسش های "برای چه" و خواسته های "محکوم نمودن خشونت" به کناری شسته می شوند. پرسش هایی که هرگز ارتش دارای قدرت برتر اسرائیل با آنها مواجه نمی گردد. به وارون، نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو این هفته با غرور گفت که کشتار در غزه "فقط آغاز کار بوده، ما آنها را خواهیم کوبید، آنچنان که هرگز امکانش را نیز نمی توانستند تصور کنند".

در این حیث و بیث، تهمت زنان از قربانیان و خسارات اسرائیل برای بی ارزش جلوه دادن تمامی جنبش استفاده خواهند کرد. همانگونه که عبارات "تبلیغاتی های خارجی" و شلوغکار ها از سال های دهه ۱۹۶۰ تا به امروز برای بد نام سازی کنشگران سیاه به کار می روند. اما ناحقی اصولی اشغالگری ذکر نمی شود و گویندگان و روزنامه نگاران از فلسطینیان خواهند خواست که خود را به جلوگیری از خشونت موظف سازند، بدون این که سال های مقاومت صلح آمیز را به رسمیت بشناسند که آنان علی رغم همه مشکلات تحمل نموده اند.

در حالی که مفسرین بیانات هر دو طرف را تکرار می کنند، شمار کشته شدگان یک طرف مانند همیشه چند برابر خواهد شد. آنان ضرورت تقلیل مساحت نوار غزه را مشروع جلوه گر خواهند ساخت، به خاطر این که تروریسم متوقف گردد، بدون توجه به کشته شدن دهها غیرنظامی شامل بر کودکان. احتمالاً برای آتش بس از "شرایطی" سخن خواهد رفت - زیرا توقف موقت در مرگ فلسطینیان باید مشروط به شرایطی باشد. هیچ کس نخواهد پذیرفت که زندگی فلسطینیان به لحاظ زندگی اصلاً مطرح است.



تظاهر کنندگان در ۱۱ ماه مه ۲۰۲۱ در نیویورک پایان خشونت اسرائیل علیه فلسطینیان را طلب کردند. تصویر از Scott Heins / از طریق

Getty Images

شاید این بار تفاوتی بروز نماید. با رویکرد تازه علیه تعقیب مجرمین و زندانی کردن ها، به نظر می رسد بسیاری از "بیدار شدگان" گیتی با مشاهده صحنه های اعتراض غیرنظامی فلسطینیان دو محدوده و نیز در اسرائیل در خود احساس همبستگی شدیدی یافته و مارش اعتراضی را در سراسر جهان سامان دهند. شاید که این برخورد با گذشت یک سال که طی آن مفاهیم "بازگشت از استعمارگری" و "همزمانی تبعیضات مختلف در مورد یک فرد" تبدیل به ذهنیت های مشترک گشته اند که در آن شبکه های اجتماعی به جاده ای موج وار برای اظهار خشم و بسیج تبدیل گشته اند، سرانجام بدان گونه درک گردند که هستند و پشتیبان مبارزه برای حق انسان بودن فلسطینیان.

یک چنین تعبیری می تواند راه نجات باشد. همانگونه که امریکا آنقدر دنبال گردد تا زندگی سیاهان به طور کامل، صادقانه و با حقوق برابر ارزشمند گردد، به همانگونه در اسرائیل صلح امکان پذیر نیست مگر آن که انسان های موجود به مثابه انسان رسمیت یابند. بدیهی است که یک چنین حسابرسی برای ملت هایی که بر اساس نفی برخی از انسانیت ها بنا گشته اند بیمناک است. اما راه دیگری نیست و اگر سال گذشته به ما آموزشی داده باشد، این است که هیچ قبول در صدی در این زمینه نیاز به کرامت را در انسان سیراب نمی کند.

در باره "افسانه های دفاع از خویش" اسرائیل و "اصرار دائم هر دو طرف" محمد ال کورد که خانواده اش در معرض خطر آوارگی و غصب خانه شان در شیخ جراح می باشد در مصاحبه ای با CNN در این هفته گفت: "انسان ها دارای این توانایی هستند که این افسانه را درست ارزیابی کنند و اشغالگر را آنچنان توصیف نمایند که هست و مهاجم را به گونه ای که هست.

و شاید آنان آغاز نمایند به این که ما را ببینند.

۱۳ مه ۲۰۲۱

<https://theintercept.com/2021/05/13/israel-palestinian-lives-matter-blm/>